



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

۲۰۱۳/۱۱/۲۶

فارو

بازگشت به سنگسار ریفورم نیست، افتضاح است!

یک هیأت تقنینی که با پول کمک شده به ریفورم سیستم عدلی و قضائی افغانستان تمویل گردیده، مؤظف شده است، قانون جزأ توشیح شده در سال ۱۳۵۵ (۱۹۷۶) دوره جمهوریت داود خان رئیس جمهور وقت را بازنگری کند و با مقتضیات امروز همونوا سازد. بناءً به گزارش سازمان دیده بان حقوق بشر هیأت تقنینی مؤظف با استفاده از این فرصت میخواهد جزا های جسمی قرون وسطائی از قبیل زدن شلاق، قطع دست، قطع دست و پای و سنگسار را در افغانستان احیا کند. این هیأت پیشنهاد کرده است که جزا های جسمی متذکره در ملای عام در برابر چشمان مردم اجرا گردد تا باعث عبرت دیگران گردد. چون ماده ۲۹ قانون اساسی نافذ صراحتاً " جزا های خلاف کرامت انسانی" را ممنوع قرار داده است، این حرکت و زارت عدلیه مایه تعجب و تأسف زیاد است. اگر ریفورم ما را به عقب براند، ما به این ریفورم نیازی نداریم. اگر کشورهای پشتیبان حکومت فعلی امکاناتی در زمینه تعدیل و یا بهتر شدن دارند، آنرا در تطبیق قوانین موجود بکار برند. ما قانون به اندازه کافی داریم. اگر قوانین موجود بالای همه اتباع افغانستان یکسان تطبیق گردد، اگر خود ارگانهای عدلی و قضائی ما تابع قانون ساخته شوند و در برابر قانون حساسه باشند، اگر ارگانهای عدلی و قضائی کنونی قانون را واقعاً بالای صاحبان قدرت دولتی، مافیا، پولدارهای تنظیمی، و گروه های مسلح خارج از چوکات دولت تطبیق کنند، گراف جرایم بخودی خود پائین می آید. این فرهنگ معافیت از مجازات است که باید ریشه کن گردد. دست درازی به پیشرفتهای تقنینی که افغانستان در گذشته به آن دست یافته خیانت به سیستم عدلی و قضائی افغانستان است.

قانون جزأ ۱۳۵۵ افغانستان نخستین قانون جزأ مدون افغانستان است که از این لحاظ دارای اهمیت تاریخی فوق العاده زیاد میباشد. این قانون بررسی جرایم حد و قصاص را که جزای آن درقران کریم پیش بینی شده است، به محکمه واگذار کرده و صرف تعزیرات را که در حیطة صلاحیت حکمران عصر است و مطابق شرایط عصر باید تدوین گردد، در برمیگیرد. قانون جزأ توانسته است اصول و مقتضیات فقه اسلامی را با اصول عام حقوقی معاصربه شیوه اعتدالی تلفیق کند. مواد این قانون در ساحة جرایم و جزا های عادی هم با شرع اسلامی در تطابق است و هم با قانون اساسی کنونی. آنچه در این قانون باید بازنگری و اصلاح گردد عبارتند از دوفصل "جرایم علیه امنیت داخلی دولت" و "جرایم علیه امنیت خارجی دولت". در این دوفصل که برای سیستم سیاسی یک حزبی تدوین گردیده بودند آزادی بیان، اجتماعات، مطبوعات و فعالیت سیاسی سلب گردیده و برای متخلفین جزا های سنگین پیش بینی شده است. در دوران جمهوری محمد داود خان از مواد این دوفصل به ندرت استفاده بعمل آمد. بعد از فاجعه ثور ۱۳۵۷ و اشغال شش جدی ۱۳۵۸، اعمال غداران حاکم چون اختناق خفقان آور، اعدام ده ها هزار بیگناه و زندانی ساختن صدها هزار نفر توسط محکمه خاد (به اصطلاح محکمه اختصاصی انقلابی) به همین مواد استوار ساخته شد. چون این دوفصل ماهیت دیکتاتوری داشته و با قانون اساسی کنونی افغانستان در تضاد است، مستلزم بازنگری غرض مطابقت دادن با قانون اساسی نافذ میباشد.

دلیل هیأت تقنینی برای دوباره وارد ساختن جزا های بدنی اینست که گویا موجودیت جزاهای بدنی شدید باعث ترس و امتناع از جرم میگردد. آیا جزا های جسمی واقعاً باعث تخویف و پائین آمدن گراف جرایم میگردد؟ جواب ما به این

د پائو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکی په خیر و لولی

سوال نه است. به جمهوری اسلامی ایران نظر اندازید. تمام تنبیهات بدنی قرون وسطائی در قانون جزا ایران درج گردیده و تطبیق میگردد. اما این باعث پائین رفتن میزان جرایم نشده است. امروز، که بیش از سی و سه سال از تأسیس جمهوری اسلامی ایران میگذرد، از هر هشت نفر ایرانی یک نفر دوسیه جرمی دارد. طرفداران جزا های جسمی از عربستان سعودی و افغانستان دوران طالبان نیز بحیث مثالهای تثبیت ادعای خود استفاده میکنند. با مراجعه به ارقام مندرج در ویکیپدیا می بینیم که در عربستان سعودی تعداد جرایم در سال ۲۰۱۲ بالغ بر ۸۴۵۹۹ جرم بوده است. در مقیاس هر صد هزار نفر (تقریباً یک ولسوالی) ۲۹ واقعه زنا و ۷۰ واقعه دزدی در همان سال در عربستان انجام یافته است. این جرایم در حالی صورت میگیرد که شکم مردم از جیره نفت سیر است و تطبیق جزاهای های شدید جسمی بیش از نیم قرن قبل آغاز گردیده بود. طالبان امروز با حملات انتحاری و ماینهای کنار جاده ارباب خلق میکنند و دیروز با نمایشات وحشتناک قطع اعضای بدن و بریدن گردن انسانها میکوشیدند فضای ترس از امارت خویش را در اذهان ایجاد کنند. امنیت نوع طالبی به قیمت برده ساختن هم وطنان بدست می آید. اگر مردم ما از آن نوع امنیت راضی میبودند از رژیم طالبان در برابر امریکائیه دفاع میکردند. امیدواریم تیم تقنینی و پارلمان در برابر این روند خشونتبار قرون وسطائی موقف جدی اتخاذ کنند. جای تأسف خواهد بود اگر آقای کرزی و رهبران کشورهای تمویل کننده پروژه اصلاح سیستم عدلی و قضائی از انفاذ این قانون جلوگیری نکنند، در حالیکه چنین قانونی با خواست مردم افغانستان و تمام اسناد جهانی حقوق بشر مغایرت داشته و سازمان دیده بان حقوق بشر مخالفت جدی خود را با آن اعلام داشته است.

"کمیتة حقوق بشر فارو"

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ